

عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در سالم‌سازی جامعه اسلامی

ناهید طیبی^۱



چکیده

مقاله حاضر درصدد بیان راهکارهایی جهت تقویت بنیه خانواده است و رویکرد اصلی آن بر عفاف مردان در تمامی جوانب می‌باشد. پیش از ورود به مباحث اساسی در بحث مفهوم‌شناسی، پنج واژگان مهم عفاف، حجاب، حیا، خانواده و حریم مطرح می‌شود تا ساختار بحث بر پایه این عناصر مفهومی قرار گیرد، سپس مصادیق عفت به‌گونه‌ای جزئی و موردی مورد بررسی قرار گرفته، پس از آن، به آسیب‌های ناشی از بی‌عفتی مردان پرداخته می‌شود تا براساس همین آسیب‌شناسی، راهکارهای مناسب و کاربردی جهت تقویت بنیه خانواده، با توجه به عفاف مردان ارائه گردد. راهکارها غالباً در دو بخش آموزشی و اجرایی مطرح شده و با ذکر نمونه‌ها و مصادیق به تبیین و پرورش مطلب پرداخته می‌شود. مواردی چون عمق بخشیدن به باورهای دینی، تعمیق فرهنگ حجاب برای مردان، به‌ویژه برنامه‌ریزی جهت این تعمیق در پسران، قبل از بلوغ و حتی در دوران خردسال، استفاده از رسانه ملی و رسانه‌های جمعی

۱. گروه تاریخ پژوهشگاه حضرت معصومه (س) وابسته به جامعه الزهرا (س)

جهت سالم‌سازی فضای حاکم بر جامعه و دمیدن روح تعهد، وفاداری و عشق‌ورزی نسبت به خانواده و ... از راهکارهای پیشنهادی در این مقاله است.
واژه‌های کلیدی: خانواده، عفاف، حیا، عفت مردان، ترویج متعه.

مقدمه

جوامع انسانی از دو گروه مردان و زنان تشکیل می‌شود و رفتارها، عقاید و بینش‌های آنان بر یکدیگر تأثیر مستقیم می‌گذارد. معمولاً از تعاون و تعامل این دو گروه با یکدیگر و جهان پیرامون آنهاست که خانواده و زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. هر گروهی در برابر گروه مقابل مجموعه‌ای از وظایف، حقوق و قوانین را داراست تا در سایه احترام به آنها و انجام و ادای حقوق، جامعه‌ای سالم، قانونمند و عقلانی به وجود آید. بدیهی است خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین بنیاد اجتماعی، بیش از هر نهاد و سازمانی نیازمند این حرمت‌گذاری و قانونمندی است و جهت تقویت بنیه خانواده، یکی از وظایف انسانی - الهی افراد، اعم از زن و مرد، ایجاد زمینه مناسب جهت رشد و تعالی خود و دیگران است و این مسئله، مستلزم دوری از مواردی است که موجب ایجاد نقش‌های طبیعی و غیر طبیعی در جامعه می‌شود. حفظ عفت عمومی و پاکسازی فضای کلی جامعه از هرگونه شائبه ناپاکی و نادرستی، از جمله این وظایف و حقوق متقابل است.

در جوامع سالم انسانی معمولاً نیروهای جسمی و روانی افراد در جهت اعتلای فرهنگ و تعالی آدمی است و تنها در صورتی که افراد به وظایف خود در حوزه فردی و اجتماعی عمل نکنند، این محیط تبدیل به یک مدار بسته سرشار از جاذبه‌های طبیعی جنسی بین زن و مرد می‌شود و به انحلال فرد، خانواده و جامعه منتهی می‌شود. عفاف و حجاب مردان، مانند عفاف و حجاب زنان در به‌وجود آوردن جامعه سالم و ناسالم نقش انکارناپذیر دارد. اگرچه براساس یک باور عمومی، مخاطب حجاب و عفاف زنان هستند و به خاطر ویژگی‌های زنانه و جذابیت طبیعی آنان، وظایفشان نیز سنگین‌تر است، اما نباید از مسموم‌سازی جامعه به علت بی‌عفتی برخی مردان در چشم، مسائل زیستی - غریزی (جنسی) و موارد دیگر غافل شد. مقاله حاضر درصدد است به راهکارهای تقویت بنیه خانواده با رویکرد بر عفاف مردان بپردازد. از این رو، ابتدا نگاهی به دلایل عقلی و نقلی عفاف مردان و مصادیق عفاف و نیز



۹۳۷ ► عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در...

آسیب‌های ناشی از بی‌عفتی مردان دارد و سپس براساس مبانی و اصول مطرح‌شده به ارائه راهکارها می‌پردازد.

۱. ضرورت بحث

نظام خانواده متشکل از زن و مرد و فرزندان آنهاست و رفتارهای عاطفی و اجتماعی افراد از نوع تعامل و برخوردهای اعضا نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد. بنابراین، بررسی ویژگی‌های شخصیتی هر یک از این اعضا اهمیت دارد، اما از آنجا که پدر خانواده، تأثیرگذاری عمیقی دارد بررسی مسائل مربوط به وی ضرورت بیشتری می‌یابد و از سویی، چون در محافل علمی و اجرایی گوناگون بیشتر به عفاف زنان پرداخته شده و عفاف مردان کمتر مورد توجه بوده است، در مقاله حاضر به این مهم پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

در مباحث مربوط به عفاف و حجاب مردان، به نظر می‌رسد بهتر است بحث عفاف مطرح شود؛ زیرا دایره وسیع‌تری نسبت به حجاب دارد. در واقع، ریشه و پایه حجاب، عفاف است و به عبارت دیگر، حجاب ثمره و میوه عفاف است و اگر زنان و مردان عقیفانه برخورد کنند و در پی آن رفتار و پوشش مناسبی هم داشته باشند، به مطلوب نهایی نزدیک خواهند شد. در این بخش، به بررسی مفاهیم زیر می‌پردازیم.

الف) عفاف

عفاف حالتی درونی و نفسانی است که زمینه گرایش فرد به پوشش و حجاب را فراهم می‌سازد. در کتب لغت، عفاف چنین معنا می‌شود:

العفة، حصول حالة للنفس تمنعها عن غلبة الشهوة (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۹)؛ عفت به دست آوردن حالتی است برای نفس که از غلبه شهوت بر آن جلوگیری می‌کند. از تعریف فوق می‌توان نکات زیر را دریافت نمود:

الف- عفت اکتسابی است و باید از طریق متفاوت، همچون مطالعه و تحقیق، دعا و درخواست از خداوند متعال «من يستعفف يعفه الله»، (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۶۴) ارتباط با آگاهان، دقت در رفتار عقیفانه دیگران و به‌ویژه، با الگوگیری از والدین و مریمان و دیگر افراد عقیف آن را کسب نمود.



ب- عفت، حالت است نه ملکه که پس از حصول آن، ممکن است در معرض خطر قرار گیرد. به این معنا که باید پیوسته مراقب عفت خویش باشیم و سطح آگاهی خود را بالا برده و با عقیفان در ارتباط باشیم تا این حالت نفسانی از بین نرود و یا کمرنگ نشود (حال در مقابل، ملکه قرار دارد و حیا ملکه است، اما عفت حال و حالت است).

ج- در افراد عقیف نوعی نگاه‌داشت و بازدارندگی نسبت به غلبه شهوت وجود دارد و هرگز عفاف معنا سرکوب‌گرایی و شهوت را بر نمی‌تابد. ظاهراً در تعریف فوق، چیرگی شهوت بر عقل مورد نظر است که عفت مانع آن می‌گردد. از این رو، در روایات می‌خوانیم «من عقل عفت» (آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۷۶۴۶). کسی که عاقل است عفت دارد.

د- عفاف از آنجا که حالتی درونی و به نفس آدمی برمی‌گردد، جنسیت‌بردار نیست، یعنی زن و مرد بودن دخالتی در این حالت ندارد و در واقع، فراجنسیتی است و از طرفی، فرامکانی و فرازمانی است؛ چون زمان و مکان هم در مورد نفس، که از مجردات است، معنا ندارد، پس فرد عقیف، اعم از زن و مرد، در هر زمان و هر مکانی حالتی عقیفانه دارد.

در مجموع، می‌توان گفت عفاف حالتی درونی است که انسان را از گناه حفظ کرده و بازمی‌دارد و هدایتگر رفتارهای بیرونی آدمی، همچون حجاب و پوشش، پاکی نگاه و سخن، طهارت فکر و... است.

علمای اخلاق سرکوبی شهوت، که امری غیرعقلایی است، به «خمودی» تعبیر کرده‌اند و افراط و لاقیدی و زیاده‌روی در امور جنسی و شهوت را به «شره»، که هر دو مورد مذموم شمرده شده است. «عفت» در واقع، حد، اعتدال بین «خمودی» و «شره» است که تجویز علمای اخلاق و موجب جهت‌دهی به غریزه انسانی می‌باشد.

با دقت در کلام فیلسوفان، حکیمان، علمای اخلاق، حتی اندیشمندانی که مقید به هیچ دین و آیینی نیستند، درمی‌یابیم که یله و رها ساختن امیال نفسانی و غریزه‌های حیوانی مورد تأیید نبوده و معمولاً صاحبان عقل و اندیشه به مهار این امیال توصیه می‌کنند. زکریای رازی در کتاب *الطب الروحانی* خود، پس از بررسی نظریه‌های فلاسفه بزرگی، چون سقراط و ارسطو و دیگران، در مورد امیال نفسانی بشر می‌نویسد:

از این بیانات نتیجه می‌گیریم که هیچ نظریه مادی نیست که مهار امیال (نفسانی) را تا اندازه‌ای لازم نداند و سهل‌انگاری و هرج و مرج را روا دارد (الرازی، بی‌تا، ص ۴۱).



ب) حجاب

حجاب از ریشه «حُجِبَ» و به معنای مانع است. گفته شده: کل شیءٍ منع شیئاً من شیءٍ فقد حجبهُ حجباً (الفراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۶)؛ هر چیزی که مانع چیزی از چیز دیگر شود، آن را حجاب کرده است.

بنابراین، حجاب به معنای ممانعت از دخول در حرام است. گاه این حرام، نگاه به نامحرم و گاه ایجاد تصویر حرام در ذهن و گاه مربوط به لمس است که همگی داخل شدن در حریم شخصی دیگران می‌باشد. تفاوت حجاب و «ستر» در این است که حجاب، مانعی است و به وسیله آن منع می‌شود و «ستر» فقط «مستوربه» است؛ یعنی به وسیله آن پوشانده می‌شود (ابوهلال العسکری، ۱۴۱۲، ص ۱۷۶).

تعبیر دیگر که برای حجاب در کتب لغت آورده شده، الحجابُ المنعُ من الوصول (راغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۶) است. به این معنا که حجاب چیزی است که مانع از رسیدن چیزی به چیز دیگر می‌شود و از این معنا هم می‌توان دریافت که مفهوم حجاب وسیع‌تر از پوشش و ستر است و به نگاه، فکر و قلب نیز اشاره دارد.

ج) حیا

حیا در لغت گرفتگی نفس از عمل زشتی است که مورد مذمت دیگران می‌باشد. در کتب لغت می‌خوانیم: الحياء: الاستحياء و هو الانقباض و الانزوا عن القبیح مخافة الدّم (الطریحی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۶۱۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۲۴۳)؛ حیا همان استحیا است، به معنای گرفتگی نفس و ترک عمل زشت به خاطر ترس از مذمت شدن.

راغب اصفهانی این گرفتگی روح و نفس و ترک زشتی را به خاطر زشتی خود عمل می‌داند، نه برای ترس از مذمت مردم (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰).

علمای اخلاق، حیا را «مَلَكَة» می‌دانند نه «حالت»، در حالی که عفاف با تعبیر «حالت» یاد شده است:

مَلَكَة صفتی است که در نفس آدمی راسخ و استوار شده باشد و یا استعدادی است که در پرتو آن، می‌توان کاری را با مهارت و ذوق انجام داد، مانند استعداد ریاضیات (الاحسائی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۲). علامه مجلسی با ذکر روایتی به ملکه بودن حیا تصریح می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۹).

همچنین گفته شده که: «حیا، محدودیت و در تنگنا افتادن نفس به هنگام مواجهه



شدن با حرام شرعی، عقلی و عرفی است که از ترس نکوهش دیگران ایجاد می‌شود» (نراقی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱).

در این تعریف هم مفهوم انقباض (گرفتگی) نفس وجود دارد و هم دلیل این گرفتگی، یعنی ترس از نکوهش و مذمت دیگران طرح شده است. گرچه پیش از این بیان شد برخی (مانند راغب اصفهانی) این گرفتگی را ناشی از زشت دانستن خود عمل می‌دانند نه مذمت دیگران، ولی در اکثر تعاریف به ترس از مذمت مردم اشاره شده است.

در همه تعاریف حیا ویژگی‌های زیر دیده می‌شود:

الف) انقباض یا انفعال درونی و حالت گرفتگی به هنگام مواجهه با عمل حرام و قبیح.

ب) ثبوت و دوام این وصف در افراد به واسطه ملکه بودن آن.

د) درونی و نفسانی بودن آن (از این رو، نمی‌توان حیای افراد را اندازه‌گیری نمود و یا عملیات مقایسه‌ای بر آن انجام داد).

ه) بازدارندگی از عمل حرام و کار زشت (گرچه حرام شرعی) نباشد.

و) توجه به عاقبت عمل حرام و واکنش اجتماع و ترس از مذمت.

ز) خانواده.

خانواده، به‌عنوان یک سیستم اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان با یکدیگر زندگی می‌کنند. رابطه اعضای خانواده رابطه‌ای عمیق و چند لایه است که عمدتاً براساس تاریخچه مشترک و درونی‌شده درباره جهان و اهداف مشترک بنا شده است (تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰). در واقع، خانواده بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است که افراد آن با هم روابطی دارند و این روابط، مبنای تعلقات و حقوق است.

از نظر جامعه‌شناسی، خانواده دارای کارکردهایی است که از نظر جامعه‌شناسان، ماهیت این کارکردها و سطح اجرای آنها بی‌گمان از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌پذیرد (کوئن، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱) بنابراین، نمی‌توان بدون توجه به مختصات فرهنگی یک جامعه جهت بهینه‌سازی وضعیت خانواده‌ها برنامه‌ریزی کرد و در هر صورت، نباید از ساختار خانواده، که در واقع درخواست‌های کارکردی و یا گندهای نامرئی است که روش تعامل اعضای خانواده را سازمان می‌دهد (ر.ک: تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲)، نیز غافل شد. اینکه در پژوهش‌های خانواده همچون اقمار



عفاف و حجاب مردان؛ باید‌ها و نباید‌ها و نقشی آن در... ▶ ۹۴۱

مصنوعی بر یکدیگر تأثیر مستقیم و قابل توجهی دارند و به گفته صاحب‌نظران، «برخورد سیستمی با خانواده چگونگی انتقال تربیت مسموم از نسلی به نسل دیگر را توضیح می‌دهد (برادشاو، ۱۳۸۶، ص ۴۶)؛ یعنی می‌توان مشکلات خانوادگی را از طریق اعضای آن ریشه‌یابی کرده و به درمان پرداخت. جان برادشاو می‌گوید: نگرش سیستمی خانواده حقیقت جدی است. این نظریه، با آنکه تنها ۳۵ سال قدمت دارد، به تبیین رفتارهای حیرت‌انگیز کمک می‌کند. مفهوم بیماری ذهنی دیگر مفید نیست؛ زیرا مفهومی از پدیده «درون روانی» را تداعی می‌کند. الگوی سیستمی خانواده نشان می‌دهد که چگونه هر شخص در زندگی نقشی را در مجموعه نظام بازی می‌کند (براد شاو، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

د) حریم

حریم، که ریشه آن «ح ر م» است به معنای چیزی است مس و لمس آن حرام است و نباید به آن نزدیک شد. در کتاب *العین* آمده است:

«الحریم الذی حرّم مسّه فلا یُذنی منه» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۲). حریم آن چیزی که تماس با آن حرام است، پس چیزی به آن نزدیک نمی‌شود. برای هر چیزی حریم مشخص می‌شود؛ به‌عنوان مثال حریم الدار (حریم خانه)، حریم القوم (حریم قبیله)، حریم البئر (حریم چاه) که از آن مقدار مشخص نمی‌توان نزدیک‌تر شد، زیرا متعلق به صاحب آن شیء یا مکان است. حریم هر خانه‌ای که از در و دیوار آن آغاز می‌شود و نمی‌توان بدون اذن صاحبخانه به آن نزدیک‌تر شد و باید حقوق اهل آن را مراعات نمود. مبحث حریم و حفظ آن هم به مردان و هم به زنان توصیه شده است.

حیا و عفاف، فراتر از جنسیت

بنابر آنچه در بحث «مفهوم‌شناسی» ذیل حیا و عفاف بیان شد، این دو از امور نفسانی بوده و به نفس و روح آدمی برمی‌گردد. فلاسفه و اندیشمندان نفس و روح آدمی را فراتر از وصف تذکیر و تأنیث دانسته‌اند و این توصیفات را تنها متعلق به جسم بشر می‌دانند. از این رو، حیا و عفاف از اموری است که هم برای زنان و هم مردان تنظیم شده است.

با توجه به خطایات قرآنی می‌توان به این نکته پی برد که عفاف و استعفاف و حیا اختصاص به زن ندارد. بدیهی است در موردی که قرآن به‌طور صریح زنان را مخاطب



قرار نداده و یا شواهد و قرائن لفظی و معنوی برای انحصار خطاب قرآنی به زنان وجود ندارد خطاب، عام خواهد بود و زنان و مردان مورد عنایت و توجه آیه شریفه واقع می‌شوند. آیات زیر نمایانگر این نکته است که خطاب قرآن مقوله حیا و عفاف انسان‌ها، اعم از زن و مرد است:

(الف) وَلَيْسَتَّعْفُفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (سوره نور، آیه ۳)؛ و کسانی که [اوسيله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. در این آیه، بحث از تزویج مجردها، اعم از غلامان و کنیزان بوده و لفظ و مضمون آیه به مردان نیز اشاره دارد.

(ب) وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ (سوره نساء، آیه ۶)؛ و آن کسی که توانگر است، باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد و...

در آیه شریفه نیز از «مَنْ» موصول استفاده شده که مفید عموم است و مختص زنان نیست.

(ج) يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ (سوره بقره، آیه ۲۷۳)؛ از شدت خویشتن‌داری (تعفف) فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. بنابراین، عفت، استعفاف و تعفف شامل حال مردان نیز می‌گردد، گرچه برای زنان با تأکید بیشتری همراه است.

تنها در یک مورد آیه‌ای با موضوع استعفاف به زنان اختصاص می‌یابد؛ زیرا مخاطب به‌طور صریح و آشکارا زنان می‌باشند و آن هم در مورد زنان سالمند و نوع پوشش آنهاست.

وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ (سوره نور، آیه ۶۰)؛ و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند و زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است.

در مجموع، مباحث حیا، عفاف و حریم فراتر از جنسیت است و در مباحث حجاب نیز تفاوت در نوع آن و میزان وجود آن است و هرگز در متون دینی بی‌حجابی مردان جایز شمرده نشده است.

دلایل عقلی بر عفاف و حجاب مردان

عقل پیامبر باطنی انسان است و می‌توان جدای از عقاید و باورهای دینی توسط آن



عفاف و حجاب مردان؛ باید‌ها و نباید‌ها و نقش آن در... ▶ ۹۴۳

به تحلیل موضوعات پرداخت. از آنجا که دین اسلام مطابق با عقل و فطرت است، پس احکام و اوامر و نواهی آن نیز باید با معیارهای عقلی، افزون بر نقل و فطرت، مطابقت داشته باشد. بدیهی است که دلایل عقلی بر عفاف و حجاب در بین زنان و مردان تفاوت ندارد و همین ادله را می‌توان برای زنان نیز در نظر گرفت. حیا، عفاف و حجاب، خود نوعی عقلانیت است؛ چنان‌که در روایات آمده است «من عَقَلَ عَفْءٌ؛ هر کس خرد دارد، عفت می‌ورزد.» (الیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۸) و نیز در جای دیگر می‌خوانیم: «اعقل الناس احیاهم؛ عاقل‌ترین مردم باحیاتی‌ترین آنها هستند» (آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۲۹۰۰، ۵۴۳۹).

دلایل عقلی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) براساس قاعدهٔ لطف و انتخاب اصلح، خداوند متعال بهترین وظایف و تکالیف را برای بندگان خود واجب می‌کند؛ چراکه لطف از صفات ذاتی او است و «علی کل شیءٍ لطیف» است. بنابراین، حکم حجاب و امر به عفاف از جمله انتخاب‌های اصلح برای بندگان است.

ب) خداوند متعال، عقل محض است و خیر محض از او صادر می‌شود و او جهان، و از جمله انسان، را هدفمند خلق کرده است. برای رسیدن بشر به هدف نهایی، خداوند قدیر تمام امکانات و استعدادها را در اختیار وی قرار داده و راهنمایی از جنس خود او برایش فرستاد تا تربیت وی را به عهده گیرند. عقل اقتضا می‌کند که انسان از این سرمایه‌ها و قابلیت‌ها حداکثر استفاده را نموده و به تعالی رسد و یکی از راه‌های حفظ این استعدادها جهت‌دهی به گزینه‌های طبیعی و استفاده از آنها در جایگاه خود است که با عفاف و حجاب این جهت‌دهی در برخی بخش‌ها صورت می‌گیرد.

ج) عقل، هر عملی را که موجب خودارزشمندی و کرامت انسان می‌شود و او را از اتلاف وقت در امور سطحی و کم‌ارزش بازمی‌دارد و موجب تمرکز نیروهای وی برای رسیدن به رشد و تعالی می‌شود، می‌پذیرد. عفاف و حجاب، از جمله اموری است که مانع پراکندگی فکر و نیروهای انسانی می‌شود و در سایهٔ آن، افراد می‌توانند به امور فراتر از مسائل ظاهری و جنسی بیندیشند.

د) عقل حکم می‌کند در تزامم و تعارض بین حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی، حقوق خانواده و جامعه مقدم بر فرد شود. بدیهی است که راحتی جسم و بی‌توجهی به فضای بیرون از زندگی فردی، خواستهٔ هر فردی است و بسیاری از بی‌عفتی‌ها و



بی‌حجابی‌ها در پی همین خواسته به‌وجود می‌آید، اما حفظ جامعه از سقوط و انحراف ناشی از غرق شدن در فضای کاملاً جنسی و سطحی از مصالح اجتماعی است که باید مقدم بر مصلحت فرد شود عقلاً و شرعاً.

ه) براساس حکم عقل، هر عملی که انسان را به فساد و تباهی سوق دهد، انجام مقدمات آن، هم عملی غیر عقلایی است؛ چرا که اعمال ناشایست مخالف ساختار وجودی انسان است و مهندسی و طراحی خلقت به گونه‌ای است که هر عملی باید به مقتضای فطرت انسان او را به حقیقت نزدیک‌تر سازد. ارضای غرایز مردان از غیر مجرای طبیعی و با نگاه‌های آلوده به حرام و یا فکر حرام و حفظ نکردن خود از قرار گرفتن در موقعیت‌های حرام، از جمله مقدماتی است که عقلاً باید از آن پرهیز کنند تا این‌گونه شالوده و اساس روابط خانوادگی لرزان نشود.

و) عقل حکم می‌کند هرگاه انسان‌های وارسته و خردمند و صالح، حکمی را برای سعادت بشر اعلام کردند، به آن بها دهند؛ زیرا این افراد براساس تجربیات علمی و عملی خویش و به تناسب خیرخواهی برای جوامع بشری نسخه می‌پیچند و معمولاً اهداف و اغراض شخصی ندارند.

بنابراین، اگر در روایات معصومان و سخنان حکیمان و اندیشمندان تأکید بر عفت داشتن و خویش‌داری در برابر ناپاکی‌ها و حفظ کیان خانواده و وفاداری به تعهدات نسبت به همسر و فرزندان دیده می‌شود، عقل اقتضا می‌کند که به آن عمل کنیم.

دلایل نقلی بر عفاف مردان

از جمله سفارش‌های مهم در آیات و روایات، ایجاد زمینه مناسب برای جامعه سالم و بدون پلیدی‌هاست. آیاتی که به‌طور عام انسان را ترغیب به پاک‌سازی و بهینه‌سازی جامعه انسانی می‌کند، می‌تواند بهترین دلیل نقلی بر عفاف و حجاب مردان باشد.

الف) ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (سوره مائده، آیه ۲)؛ ... و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

این آیه شریفه یک «اصل» و «قاعده» است که جوامع انسانی با عمل به آن می‌توانند خانواده و جامعه را از هرگونه پلیدی و نادرستی پاک سازند؛ زیرا تمامی اعمال شایسته و صالح زیرمجموعه برّ و تقوا قرار خواهند گرفت و تمامی اعمال و رفتارهای



عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقشی آن در... ۹۴۵

ناشیست و غیرانسانی زیرمجموعه «اثم و عدوان» خواهند بود. در تفاسیر روایت زیر دیده می‌شود:

«بر» چیزی است که قلب و نفس آدمی به آن اطمینان دارد و اثم آن است که قلب تو از آن حکایت می‌کند و در مورد آن مردد است، گرچه مردم آن را جایز دانند و امر کنند نیز گفته شده است که «البر» همان ایمان است و «التقوی»، سنت و «الاثم»، کفر است و «العدوان» همان بدعت (طباطبایی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۰).

اگر «بر و تقوی» سمبل همه نیکی‌هاست و «اثم و عدوان» نماد هرچه پلیدی و نادرستی و ناپاکی است، اگرچه مصداق این دو مفهوم بسیار وسیع است، اما در موضوع مورد بحث ما می‌توان تقوای اجتماعی در روابط زن و مرد را به‌عنوان مصداقی کلیدی مطرح نمود.

ب) (وَلَيْسَتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ .. (سوره نور، آیه ۳۳)؛ و آنان که اوسيله [زناشویی نمی‌یابند، باید عفت و رزند تا خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.

شیخ طوسی تصریح می‌کند که این آیه خطاب به مردان است. او می‌نویسد:

هذا خطاب من الله للمكلفين من الرجال يأمرهم الله تعالى ان يزوجوا الايا مي واللواتي لهم عليهن ولاية... و قوله «وليس تغفر الذي لا يجدون نكاحاً...» امر من الله تعالى لمن لا يجد السبيل الى التزويج بأن لا يجد طولاً من المهر ولا يقدر على القيام بما يلزمها من النفقة والكسوة، ان يتعفف ولا يدخل في الفاحشة ويصبر حتى يغنيه الله من فضله (شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۳۹).

این (آیه) خطاب است از ناحیه خداوند به مردان مکلف، که افراد ازدواج نکرده و زنانی که بر آنها ولایت دارند را تزویج کنند (و از فقر نترسند)... و قول خداوند در «وليس تغفر الذين...» امر است برای آنان که از جهت مهریه و آنچه برای نفقه مقدور آنهاست و لباس (برای زنان) راهی و قدرتی نداند، آنها باید خویش‌داری (تعفف) پیشه کنند و بر عمل زشت روی نیاورده و صبر کنند تا خداوند از فضل خود به آنان عطا کند.

بدیهی است که چون مهریه و نفقه و امور دیگر مذکور در متن فوق اختصاص به مردان دارد، امر به استعفاف نیز مخصوص آنهاست. در برخی دیگر از کتب تفاسیر می‌خوانیم که استعفاف به معنای تلاش و اجتهاد در نابود کردن شهوت است به‌وسیله ریاضت و خویش‌داری (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۴۵).



به گفته علامه طباطبایی، استعفاف و تعفف در معنا نزدیک به یکدیگر هستند و مراد از عدم وجدان نکاح نداشتن قدرت بر مهریه و نفقه است (طباطبایی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۱۳). این سخن نیز تصریح دارد بر اینکه استعفاف در آیه شریفه مربوط به مردان است و آنان مأمور به حفظ عفاف و در نتیجه، نوعی حجاب ظاهری و معنوی هستند. (ج) قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (سوره نور، آیه ۳۰)؛ به مردان با ایمان بگو «دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است». نکته قابل توجه در این آیه شریفه، تقدیم امر به «غض بصر» برای مردان است. مفسران در تفسیر «یغضوا» گفته‌اند: به معنای «ینقصوا من نظرهم» است؛ یعنی به آنچه حرام است.

در موارد «یغضوا من ابصارهم» سه نظر و معنی وجود دارد:

۱. «من» زائده است و معنای آیه «یغضوا ابصارهم» بوده؛ یعنی کلاً چشم‌های خود را مراقبت کرده و شکسته نگاه کنند، نه آنکه مستقیم و بدون حیا زل زنند.
 ۲. «من» تبعیضیه است و معنای آیه این است که در برخی از مواضع چشم‌ها را نیم‌بسته نگاه دارند؛ به عبارتی «ینقصوا من نظرهم فلا یبصرنوا الی ما حرم؛ نگاهشان را بشکنند و به حرام نگاه نکنند، نه آنکه به همه موارد نگاه نکنند و فقط در بعضی از مؤلفه‌ها، که حرام است، مراقبت کنند.
 ۳. «من» برای ابتدای غایب است و همان‌گونه که ابن زید گفته، در اینجا منظور نگاه نکردن به فرج برادران اوست؛ یعنی چشم را از نگاه به فرج مردان دیگر ببندد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۴۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۵۴).
- بنابراین، در این آیه شریفه، که به‌عنوان دلیل نقلی بر عفاف و حجاب مردان ذکر شده، به ستر عورت، به‌طور خاص اشاره شده است و ستر کامل بدن و عفاف را از دیگر دلایل باید استخراج نمود.
- از جمله آیه «تعاونوا علی البر و تقوی» به‌طور ضمنی در بردارنده این بیان است و تمسک به سیره معصومان (ع) و علمای هر زمان و خردمندان نیز می‌تواند لزوم وجود حجاب و عفاف برای مردان را برساند.

در روایات اوصاف لباس پیامبر (ص) بیان شده است که معمولاً رسول خدا لباس بلند می‌پوشید و بر آن ازار (عبا) می‌انداخت و .. (طباطبایی، ۱۴۱۹، ص ۱۷۶). و با استفاده



عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در... ▶ ۹۴۷

از روایات مربوط به پوشش معصومان و اولیای الهی، می‌توان ملاک‌گزینی نموده و قدرمتیقن برای نوع پوشش مردان پیدا نمود، گرچه میزان روایات مربوط به عفاف، به‌ویژه عفت چشم بسیار بیشتر از نوع پوشش آنان است.

مصادیق عفاف و حجاب مردان

آنچه از متون و معارف دینی می‌توان دریافت، تأکید فراوان بر عفت چشم است، اما در یک طبقه‌بندی منسجم می‌توان مصادیق زیر را برای عفاف و حجاب مردان در نظر گرفت:

الف) عفت چشم، بیشترین مؤلفه‌های جنسی برای مردان از طریق چشم دریافت می‌شود و همواره نگاه پاک و ناپاک در ادبیات جهان مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم نیز با صراحت تام به مردان امر شده که نگاه خود را بشکنند «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» و ما در بحث دلایل نقلی بر عفاف و حجاب مردان این آیه را مورد بررسی قرار دادیم. اولین زمینه ارتباط مشروع و غیرمشروع از طریق چشم فراهم می‌گردد و عفت چشم از مهم‌ترین مصادیق عفاف مردان به‌شمار می‌رود. براساس یافته‌های پژوهشی، مردان «راست‌مغز یا به عبارتی بینایی» هستند در حالی که زن‌ها «چپ‌مغز» یا به عبارتی «گفتاری-کلامی» هستند و به همین دلیل است که پسرها بیشتر تصاویر را دوست دارند و دخترها، بیشتر داستان‌های رمانتیک را (دی آنجلس، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴). بنابراین، مهم‌ترین مصادیق بی‌عفتی و بی‌حیایی در بین مردان چشم‌چرانی و به نوعی بی‌تقوایی در نگاه است؛ چنانکه معصوم (ع) می‌فرماید:

عفت در نگاه و شکم (حلال‌خوری) نشان تقوای فرد است (الدیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۲) و در دعا‌های امام سجاد (ع) آمده است که «خدایا مرا آن‌گونه قرار ده که چشم خود را به جهت عفت و پاکدامنی ببندم» (علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸). نگاه به نامحرم به‌طور حضوری و دیدن فیلم‌های مستهجن و تصاویر مبتذل، استفاده و ارسال بلوتوث‌های تحریک‌آمیز، مطالعه آثار مبتذل جهت لذت بردن و ... از مصادیق بی‌عفتی در نگاه مردان است.

ب) عفت زبان، در روایات فراوان و نیز در رساله‌های عملیه برای زبان و کیفیت بهره‌مندی و استفاده از آن سفارش‌های زیادی دیده می‌شود. اولین مبحث در مورد



سخن گفتن با نامحرم، «ضرورت» است و پس از آن به «ترس از مفسده» و «ریبه» اشاره شده است. در هر حال، حفظ زبان به‌عنوان یکی از مصادیق عفت مردان است. مواردی چون مَتَلک‌پرانی، سخنان غیرضروری، فرستادن بلوتوت‌هایی با مطالب محرک، که زمینه‌ساز تخریب افکار عمومی می‌شود، مکالمات تلفنی و حتی چت کردن از مصادیق بی‌عفتی در زبان است و عفت زبان، به معنای خویشنداری، از این موارد است. فحاشی، هتاک و بی‌حرمتی در خطابات در خانواده و عدم حفظ حریم اعضای خانواده در نوع کلام نیز می‌تواند از مصادیق بی‌عفتی شمرده شود.

ج) عفت گوش، شنیدن برخی از مطالب زمینه‌ساز شهوت، فضای فکری زنان و مردان را آلوده می‌سازد و چون مردان به نسبت زنان، به شنیدن تمایل بیشتری دارند تا به گفتن، بیشتر در این دام می‌افتند. شنیدن موسیقی و با سخنان و بلوتوت‌های محرک، که بیشتر همراه با دیدن تصاویر نادرست است و ارتباط‌های تلفنی و دقت در نرمی صدای نامحرم، حتی اگر سخن وی تحریک‌آمیز نباشد، از جمله این موارد است. د) عفت فکر و قلب، گاه افرادی با تصویرسازی ذهنی از برخی صحنه‌های محرک زمینه‌

ارضای غیر مشروع و غیرطبیعی را برای خویش فراهم می‌کنند. این‌گونه افراد، حتی در شرایط طبیعی و معمولی نیز حساسیت خاص خود را داشته و معمولاً هرگونه ارتباط ضروری و غیر ضروری با دیگران برای آنها مشکل‌ساز می‌شود و صحنه زندگی آنها به‌طور پیوسته همراه با ارضای جنسی است. این تحریک مستمر موجب بیماری‌های جسمی و روانی می‌شود و در جامعه نیز آثارسوئی را برجای خواهد گذاشت. ه) عفت در روابط جنسی، پاکدامنی در نیازهای جنسی (= زیستی- غریزی) از جمله مصادیق عفت در مردان است که در قرآن کریم صریحاً مورد بحث قرار گرفته شده و از نشانه‌های مؤمنان به‌شمار می‌آید. بدیهی است وقتی افراد مجرد به استعفاف و تلاش در پاکدامنی امر شده‌اند و مأمور به حفظ عفت در روابط جنسی هستند، متأهلان به طریق اولی باید عفت پیشه کرده و در فضای خانواده نیازهای خویش را برآورده سازند؛ زیرا نسبت به تعهدات خانواده خویش نیز مسئول هستند. براساس روایات، نزد خداوند پس از شناخت او، چیزی دوست‌داشتنی‌تر از عفت شکم و فرج وجود ندارد (الحرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۲).

آسیب‌های ناشی از بی‌عفتی مردان

اساسی‌ترین آسیب ناشی از بی‌عفتی مردان ایجاد بی‌اعتمادی بین اعضای خانواده و مسموم



۹۴۹ ► عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در...

کردن فضای خانواده و دور ساختن جامعه از تقواست؛ به عبارتی تقوای اجتماعی بدون رعایت حجاب و عفاف درونی و بیرونی میسر نخواهد شد، اما با نگاهی جزئی و خاص تر می توان به موارد زیر به عنوان آسیب ها و آفت های ناشی از بی عفتی مردان اشاره نمود:

الف) سُستی بنیان خانواده، معمولاً مردانی که چشم و قلب و جوارح خویش را کنترل نکرده و به راحتی به جنس مخالف نظر می کنند و یا ارتباط های مشروع و غیر مشروع دارند، زمینه شک و عدم اعتماد در خانواده خویش را فراهم می سازند. اگر زنی چندبار همسر خود را در حال عدم رعایت مراتب تقوای چشم و... ببیند، دیگر نمی تواند به عشق او نسبت به خانواده اعتماد کند و قضاوت های این زن، معمولاً با نوعی بدبینی و پیش فرض های منفی صورت خواهد گرفت و این موارد موجب ایجاد تنش در خانواده شده و بنیان این کانون مقدس را سُست می کند. افزایش آمار طلاق، اعتیاد، فرار دختران از خانه، ایجاد مراکز فساد و... از پیامدهای شوم و ناپسند بی عفتی مردان و زنان در محیط های اجتماعی و در نتیجه، سُستی بنیان خانواده هاست.

ب) تغییر عقربه ذهن مردان از معنویت و پاکی به سوی مسائل جنسی؛ در صورتی که نگاه و فکر و قلب مردان بدون هیچ گونه خویشتن داری و عامل بازدارنده ای متوجه جاذبه های طبیعی دیگر زنان باشد و در واقع، عفاف و حجاب درونی و بیرونی نداشته باشند، تمام فضای فکری آنها به وسیله افکار هوس آلوده و جنسی پر می شود و در اثر این اهتمام، مبتلا به بیماری «تنوع جنسی» شده و از مسیر اصلی انسانیت خویش خارج می شوند و دقیقاً برای زنانی که در اجتماع مقابل آنها قرار می گیرند، همین تنوع طلبی به وجود خواهد آمد و جامعه انسانی، که با اهداف متعالی و کمالیه برپا شده، به سوی خوی شهوترانی افراطی سوق داده می شود. بدیهی است به همان میزان، که بی قیدی و بی توجهی زنان به پوشش و عفاف جامعه را از مسیر الهی - انسانی - منحرف می سازد، بی توجهی مردان نیز تأثیر گذار است.

ج) گسترش سطح ارتباطات نامشروع، که موجب انحطاط جامعه و نابودی هویت نسل های موجود و نسل های آینده می شود، یکی دیگر از آسیب های بی عفتی مردان است؛ زیرا عدم توجه به نیروی قوی و مستمر حاصل از جذب و انجذاب طبیعی هرگز مانع تأثیر وضعی آن نمی شود. مردان بی عفت با پوشش نامناسب و ارتباط ها و نگاه های تعریف نشده، با ارسال پیام های طبیعی جنسی، موجب ایجاد این مدار جاذبه جنسی شده و این گونه زمینه ارتباطات نامشروع فراهم می شود.



البته نقش بی‌عفتی و بی‌حجابی زنان هم در این مورد بسیار زیاد است. معمولاً دختران و پسرانی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند، بیش از دیگران مستعد در ویران کردن نیروهای انسانی- الهی خود هستند و رفتارهای آنها ثمره بی‌عفتی‌های پدر و مادر است.

(و ترویج ازدواج موقت، آسیبی جدی بحث ازدواج موقت (متععه)، از جمله مباحث فقهی است که در منابع فقهی شیعه جایگاه خاصی دارد و امروزه در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنسی نیز به آن توجه خاص می‌شود. جواز و مباح بودن این حکم فقهی از نظر علما و فقهای شیعه، امری مسلم و پذیرفتنی است و اهداف و انگیزه‌های آن نیز در بسیاری از روایات مطرح شده اما آنچه در مقاله حاضر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، ترویج آن در جامعه اسلامی بدون توجه به شرایط خاص مربوط به حکم ازدواج موقت است.

«متععه» در لغت به معنای منفعت، بقا و عطا آورده شده، اما فقها آن را به معنای عطا می‌دانند و برای ازدواج شرعی با مهریه و زمان معین هم، که اصطلاحاً «ازدواج موقت» نام دارد، واژه «متععه» را به کار می‌برند (الفکیکی، ۱۳۵۶ق، ص ۲۹).

امروزه در جامعه ما بحث ازدواج موقت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای سالم‌سازی دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلط و کلاً جامعه مطرح می‌شود و راهکارهای دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است! در جلسه‌ای وزیر ارشاد وقت در سخنرانی خود، صراحتاً مطرح کرد دانشجوی دختر و پسر، که تمایل دارند با هم آشنا شوند و یک بستنی با هم بخورند، اینها باید عقد موقت کنند تا مشکلی پیش نیاید، اما در پاسخ پرسش مخاطبی که گفت: «آیا خود شما اگر عقد موقتی بسته باشید، تنها به خوردن یک بستنی بسنده می‌کنید؟!» خندیده و پاسخی نداشت. اگرچه، چنان‌که گفته شده، متعه می‌تواند راه حل قانونی جهت بحران جنسی باشد که برای وضع زندگی عصر کنونی و مشکلات اجتماعی آن ایجاد شده است (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۸۵) و بدیهی است که استفاده صحیح از این حکم الهی، مصلحت‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت، اما ترویج بدون قید و شرط آن، موجب تزلزل بنیان خانواده می‌شود. به‌عنوان نمونه، سایتی با عنوان حافظون (hafezoon) معروف به سایت همسریابی ازدواج موقت تنظیم شده است که در صفحات ابتدایی آن به جملات زیر برمی‌خوریم:



۹۵۱ ► عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در...

«حافظون، مؤمنانی هستند که به حفظ پاکدامنی خود می‌اندیشند و حدود الهی را پاس می‌دارند».

«کلیه محتوای سایت تحت کنترل و نظارت پلیس سایت می‌باشد و...».

«ثبت نام افراد متأهل خلاف قوانین سایت است.».

«حداقل سن مجاز برای خانم‌ها ۲۳ سال است.».

هنگام ورود به صفحه اصلی، کاربران باید به پرسش‌هایی پاسخ دهند که برخی از آنها عبارت است از اینکه آیا الکی و سیگاری هستند یا نه و انگیزه آنها آیا برای رفع نیاز جنسی است یا نیاز به همدل دارند، آیا با حجاب هستند یا بی حجاب و یا ... کیفیت اندام آنها چگونه است و از نظر جسمی چاق هستند یا لاغر یا متوسط و آیا زیبا هستند یا ...؟

با اندکی دقت در عکس‌هایی که از سوی کاربران، به‌ویژه دختران و زنان فرستاده شده، می‌بینیم که اکثراً از حجاب برخوردار نیستند و عکس‌های تحریک‌آمیز و یا نمایی درشت از چشم و ابروی آرایش‌شده خود فرستاده‌اند و حتی، اگر عکس زن باحجاب و چادری وجود دارد، چهره او با آرایش بسیار واضح است. نکته جالب‌تر اینکه در اکثر موارد، در مقابل سؤال «الکی هستید؟» علامت زده شده؛ به معنای اینکه فرد مورد نظر الکی است و یا سیگار می‌کشد. به‌راستی سیغه موقت برای فرد الکی چه مفهومی دارد؟

در هر حال، با مراجعه به سایت <http://hafezoon.com> خواهیم دید که ترویج گسترده مسئله سیغه موقت، افزون بر اینکه بازتاب نامناسبی در دنیای مجازی، از سوی اسلام‌ستیزان و به‌ویژه، مخالفان شیعه در پی دارد، عفت عمومی جامعه را آسیب‌پذیر می‌کند. به واقع، آیا در دنیای بدون مرز و فیلتر امروزی، که ماهواره‌ها و سایت‌های مبتدل به‌آسانی در دسترس مردان و زنان قرار دارد، می‌توان از این طریق، عفت عمومی را حفظ کرد یا این عمل، دامن زدن به تخلفات است؟

آیا این تبلیغات موجب سوق دادن مردان خانواده‌دوست و یا جوانان کمال‌طلب به سوی تنوع جنسی نمی‌شود؟ و آیا جامعه‌ای که مردان آن به‌راحتی برای ارضای شهوت جنسی، از طریق تجربه‌های جنسی متعدد با زنان متفاوت در ارتباط هستند و دچار بیماری تنوع‌طلبی جنسی می‌شوند، جامعه‌ای سالم و توانمند و کارآمد خواهد بود؟! اگر تالی فاسد یک حرکت، از قبل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، به‌یقین



برای حل یک مشکل، راه حلی ارائه نمی‌شود که مشکلات بیشتری افزوده شود و مبانی و اصول، مورد حمله قرار گیرد.

به نظر می‌رسد به جای ایجاد فضای مناسب برای تحریکات و تحرکات جنسی، که نتیجه آن ایجاد پرخاشگری، دلسردی و بی‌تفاوتی در محیط خانواده می‌شود، بهتر است آستانه حیا و عفت عمومی را افزایش داده و زمینه تحریکات را بکاهیم. ازدواج موقت اینترنتی و گسترش زمینه ارتباطات جنسی بیرون از محیط خانواده، حتی اگر مشروع باشد، موجب تحقیر شرافت و کرامت زن و مرد و فروپاشی نظام خانواده می‌شود و حتی اگر همسر یک مرد، این وضعیت را بپذیرد، فضای خانه تبدیل می‌شود به میدان مسابقه‌ای ناجوانمردانه برای به‌دست آوردن دل مردی که عشق خویش را به شراکت گذاشته است و کشمکش‌های مستمر موجب ابتذال در روابط اعضای خانواده می‌گردد.

ز) ضعف در تربیت نسل‌های بعد، از وظایف و نقش‌های اصلی و اساسی انسان‌ها در هر عصری ایجاد زمینه صحیح تربیت نسل‌های بعدی است. بی‌عفتی مردان نه‌تنها موجب ترویج آن از نظر علمی می‌شود؛ بلکه فرصت‌های زرینی که والدین می‌توانند از آنها برای تربیت فرزندان خویش بهره‌برند، از آنها می‌گیرد. در واقع، نیروها و سرمایه‌های افراد صرف‌حلاً مشکلات به‌وجود آمده از بی‌عفتی مردان و زنان می‌شود و فرصتی برای تربیت نسل‌ها نمی‌ماند.

ح) تزلزل پایه‌های اقتصادی خانواده، که حاصل تحمیل هزینه‌های اضافی است که در پی ارتباطات ناشی از بی‌عفتی مردان و زنان به‌وجود می‌آید. بدیهی است که مردان با درآمد مشخص خود می‌توانند خانواده خویش را تأمین کنند، اما اگر به دنبال نگاه‌های آلوده و حرام و ارتباطات مشروع و غیر مشروع ناچار به تأمین دو خانواده شدند، بار اقتصادی بیشتر بر روی خانواده اول خواهد بود.

ط) اهانت به جایگاه و مقام همسر، از جمله آسیب‌هایی که بی‌عفتی مردان در پی دارد، توهین به مقام بانویی است که، به‌عنوان همسر او و مادر فرزندان، خالصانه تلاش می‌کند و تمامی انرژی و نیروهای عاطفی خود را برای خانواده هزینه می‌کند. چشم‌چرانی مردان متأهل و ارتباط آنها با زنان دیگر، موجب تحقیر و توهین به آن زنان می‌شود؛ گرچه می‌بینیم که برخی می‌نویسند: مردها به این دلیل به زن‌ها نگاه می‌کنند که «بینایی» هستند، نه به این دلیل که شما را دوست ندارند. آیا تا به حال



عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در... ۹۵۳

برایتان پیش آمده که با نامزد یا همسران به رستوران رفته و ببینید که او به زن‌های دیگر توجه نشان می‌دهد؟ این کار آنها لزوماً چشم‌چرانی نیست؛ بلکه نوعی توجه و تحسین زیبایی‌های آنان است. ممکن است این‌طور فکر کنید که چنانچه شوهرتان دوستتان دارد، هرگز نباید به زن دیگری نگاه کند، اما او احساس می‌کند این توقع شما غیرمنطقی و از روی احساس مالکیت، کنترل‌گری و حسادت شماسست (دی آنجلس، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵). باید توجه داشت که تفاوت فرهنگ‌ها و اعتقادات در تفسیر و تحلیل ما از شخصیت دیگران تأثیر می‌گذارد. گویندهٔ مطلب فوق، بدون توجه به آموزه‌های دینی ما چنین می‌نویسد و حتی خود در بیان نظراتش دچار تزلزل شده و در صفحهٔ بعدی، از موضع اولیهٔ خویش پایین‌تر می‌آید و می‌نویسد: خیره شدن به زن‌ها هنگامی که شما در کنار شوهرتان حضور دارید به هیچ‌وجه مؤدبانه نیست، اما توجه و تحسین زیبایی‌ها کاملاً برای مردها طبیعی است؛ البته مادامی که زیبایی و صورت و اندام متناسب شما را نیز تحسین کنند (دی آنجلس، ۱۳۸۳، ص ۲۲۶).

براساس آموزه‌های دین اسلام نگاه غیر ضروری مردان به زنان نامحرم جایز نیست؛ زیرا همین نگاه مقدمهٔ گناه دیگر شده و او را به‌سوی گناهان بزرگ‌تر سوق می‌دهد و تحسین زیبایی زنان نامحرم امری پسندیده در شریعت اسلام به شمار نمی‌رود.

راهکارهای تقویت بنیان خانواده و تعمیق عفاف مردان

اکنون که با مصادیق عفاف مردان و آسیب‌های ناشی از بی‌عفتی آنان آشنا شدیم، با توجه به تأکید ویژهٔ مقاله بر رفتارهای عفت‌آمیز مردان به بیان راهکارهایی جهت تقویت و تحکیم بنیان خانواده می‌پردازیم. در یک نگاه کلی می‌توان راهکارها را به دو بخش آموزشی و اجرایی یا سیاست‌گذاری تقسیم نمود، همچنین می‌توان این تقسیم‌بندی را به اعتبار فرد یا جامعه، در سه بخش فردی، اجتماعی و حکومتی مطرح کرد، اما به نظر می‌رسد تقسیم اول با مقاله حاضر متناسب‌تر باشد.

الف) راهکارهای مربوط به حوزهٔ آموزش

آموزش که مفهومی وسیع‌تر از تعلیم و تدریس دارد و همهٔ ابزار آموزشی، اعم از رسانه‌های دیداری، شنیداری هنری، علمی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد از مهم‌ترین



ابزار جهت سالم‌سازی جامعه خواهد بود. پاره‌ای از راهکارهای مربوط به آموزش عبارت‌اند از:

(۱) آموزش آموزه‌های دینی و عمق بخشیدن به باورهای افراد جامعه و دفع شبهات در زمینه‌های متعدد، به‌ویژه آن بخش از دین که مربوط به حدود و میزان نگاه به نامحرم و ارتباط با آنهاست و نیز تبیین میزان ارزشمندی و حرمت خانواده و حقوق اعضای آن نسبت به یکدیگر. بدیهی است به‌روزرسانی ادبیات دینی و توجه به مقتضیات زمان و مختصات دنیای امروز، که سرعت، الکترونیک و نانوتکنولوژی از جمله آنها به‌شمار می‌رود، در این بخش اهمیت خاصی دارد.

(۲) تعمیق فرهنگ عفاف، حجاب و حیا در بین مردان و تبیین زوایای گوناگون آن از نظر عقل و نقل با استفاده از انواع رسانه‌های جمعی و انواع ابزارهای آموزشی، همان‌گونه که در دههٔ اخیر حرکتی جمعی-پویایی جهت تعمیق فرهنگ حجاب برای زنان صورت گرفته است. این امر، مستلزم در نظر گرفتن مردان در تمام سطوح تحصیلی، فرهنگی، اجتماعی و ... است و از این رو، باید از تمامی امکانات بهره برد، مانند تدوین آثار فاخر، ارزشمند و پاسخ‌گو، ترتیب همایش‌ها و قرار دادن آثار مکتوب و غیرمکتوب و رایانه‌ای در سبد فرهنگی خانواده‌ها، نکتهٔ قابل توجه این است که در این بخش آموزش باید برای پسران از دوران کودکی و قبل از بلوغ برنامه‌ریزی کرد و آنها را با مقولهٔ عفاف و حفظ حدود و حریم آشنا کرد تا قبل از رسیدن به جوانی و میان‌سالی «ملکهٔ حیا» و «حالت عفاف» و «رفتارهای خُرمت‌آمیز» در وجود آنها نهادینه شده و از ثباتات نفسانی آنها گردد.

(۳) ایجاد امکاناتی جهت آموزش و ارتقاء سطح آگاهی مردان و زنان نسبت به امور زیستی - غریزی (جنسی) و روابط زناشویی صحیح و ایجاد مهارت‌های ارتباط عاطفی و جنسی با همسر به‌گونه‌ای که هریک از همسران به ارضای غریز خود بیرون از فضای خانواده نیازمند نباشند. در این مرحله نیز، توجه به ادراکات جنسی پسران در دوران کودکی و بلوغ و برخورد صحیح و آگاهانه با این نوع ادراکات و رفتارها اهمیت زیادی دارد. آموزش رفتارهای جنسی صحیح و آگاهی‌بخشی در دوران مدرسه به‌گونه‌ای که موجب تحریکات نشده و تالی فاسدی بر آن مترتب نشود، از جمله راهکارهای مهم و اساسی است. باید توجه داشت که در دورهٔ راهنمایی و دبیرستان نوجوانان، به‌ویژه پسران در حال گذار از تحولات دوران بلوغ و آشنایی با احساسات



۹۵۵ ► عفاف و حجاب مردان؛ بایدها و نبایدها و نقش آن در...

جدید در حوزه مسائل جنسی می‌باشند. بدیهی است اگر فرهنگ دینی برای این گروه سنی در رابطه با الگوهای روابط جنسی تعمیق عفت و حیا برنامه‌ریزی نکند، تحت تأثیر فرهنگ غیرعقیفانه بیگانه قرار گرفته و موجبات بی‌عفتی در جوانی و بزرگ‌سالی برای آنان پدید خواهد آمد؛ به ویژه امروزه که ماهواره، اینترنت و محصولات ضد اخلاقی و مبتذل آسان‌تر، ارزان‌تر و با جاذبه بیشتر از محصولات فرهنگی سالم مبتنی بر آموزه‌های دین در دسترس نوجوانان قرار می‌گیرد.

۴) اقدام محلی در سطح گسترده و با وجود متخصصان در امور خانواده و مهارت‌های ارتباط در خانواده و استفاده از نیروهای مردمی، به‌ویژه فعالان بسیج مساجد جهت کاهش سطح هزینه‌ها در آموزش عمومی. مهارت در ارتباط‌ها، مهارت عفاف خود نگه‌داری و ارائه آگاهی‌های جنسی مطابق با آموزه‌های دینی از جمله آموزش‌ها در همین مورد است.

ب) راهکارهای مربوط به سیاست‌گذار حوزه اجرایی

گرچه آموزش و پرورش در عرصه اجتماع نقشی مهم و اساسی را به عهده دارد، اما تا زمانی که ضامن اجرایی برای برنامه‌های آموزشی و کیفیت استفاده از ابزار آموزشی وجود نداشته باشد نمی‌توان به سالم‌سازی جامعه و تحکیم بنیان خانواده خوش‌بین بود. برنامه‌های اجرایی عبارت‌اند از:

۱- ایجاد زمینه‌ای جهت کاهش موقعیت‌های تحریک‌آمیز در سطح جامعه با سالم‌سازی فضای عمومی شهر و طراحی تفریحات و سرگرمی‌های سالم و مفرح جهت پر کردن اوقات فراغت مردان و ترجیحاً گسترش جایگاه‌های خانوادگی در تفرج‌گاه‌ها، ورزش‌گاه‌ها و اماکن فرهنگی.

برای این حرکت باید به طراحی ساختارها پرداخت به این معنا که مسئولان، ساختارهای فرهنگی، حقوقی و آموزشی جامعه اسلامی را به گونه‌ای شکل دهند که خود به خود زمینه رفتارهای ناپه‌نجر را از بین برده و افراد را به برپایی احکام تشویق کنند.

۲- اقدام به ایجاد محصولات فرهنگی متناسب با حیا و عفاف مردان و ساخت فیلم‌ها و ترویج انواع آثار مکتوب و غیرمکتوب، که مردان را از خیانت، بی‌تعهدی و لاپالی‌گری دور کرده و نسبت به خانواده دلگرم می‌کند. چنان‌که در اصل سوم قانون



اساسی ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به‌عنوان اولین وظیفه دولت مطرح شده است (قربانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲).

۳- کنترل اجتماعی که عبارت است از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین که یک جامعه برای تضمین هم‌نوایی رفتاری اعضای خویش در برابر کجروی‌ها، با مجموعه‌ای از قوانین و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۴۵۲). در واقع، براساس این حرکت اجتماعی برای جلوگیری از هرج و مرج و انحرافات اجتماعی، که بی‌عفتی مردان نوعی از همین انحرافات به شمار می‌رود، هر جامعه‌ای به خود اجازه می‌دهد تا در برابر رفتارهای غیر عقیفانه و واکنش‌هایی از خود نشان دهد که گاه در سطح اجتماعی و با دخالت گروه‌ها و افراد جامعه صورت می‌گیرد و گاه توسط نیروی حاکم بر اجتماع (دولت). امر به معروف و نهی از منکر عمومی در بخش اول این کنترل رخ می‌نماید و دخالت‌ها و کنترل‌های حکومتی، که مجازات افراد هنجارشکن، حفظ نظم جامعه، دفاع و حراست از جامعه در برابر هجمه‌های فرهنگی و ... است، در بخش دوم جای می‌گیرد.

۴- تنظیم هنجارهای رسمی و وضع قوانین متناسب با هنجارهای دینی، که معلول آموزش دینی است. در حقیقت از آنجا که در حکومت اسلامی هنجارهای رسمی، یعنی قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی کشور و واحدها و مؤسسه‌های تابعه مثل قانون اساسی (ستوده، ۱۳۸۸، ص ۳۱) باید مطابق با هنجارهای دینی باشد، به نظر می‌رسد نباید بین هنجارهای دینی و رسمی تزاخم و تناقضی باشد و در مرحله قانون‌گذاری باید به این نکته توجه خاص شود و مطابقت مذکور ایجاد گردد. از سویی، باید هنجارهای سنتی (غیر رسمی) را که خاستگاه آنها اتفاقات روزمره زندگی افراد است و گاه حتی، مخالف آموزه‌های دینی است، جهت بخشید.

۵- سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی باید در ارائه راه‌حل‌ها تمامی موارد جانبی را به‌طور تخصصی مورد بررسی قرار داده و تالی فاسد برخی از حرکت‌ها را در نظر بگیرند، مانند ترویج بدون قید و شرط و افراطی ازدواج موقت در سطح جامعه اسلامی و حتی در فضای مجازی. به‌عنوان نمونه برای ترویج ازدواج موقت باید دقت داشت که این حکم همانند نسخه‌ای است برای فرد و جامعه بیمار و اگر برای افراد سالم و جامعه‌ای که از نعمت کانون خانواده بهره می‌برند، تجویز و ترویج گردد به یقین



خانواده را با آسیب جدی مواجه می‌سازد؛ زیرا تنوع‌طلبی جنسی را در مردان ایجاد کرده و لذت با همسر بودن و حفظ حدود و حریم‌ها را می‌گیرد.

۶- نظارت مستقیم با جدیت تمام بر انتخاب آثار مکتوب و غیر مکتوب غربی جهت برگردان و چاپ در کشور اسلامی ما، به‌ویژه با موضوعات روابط عاطفی و جنسی مردان و زنان، اعم از محرم و نامحرم، در خارج از محیط خانواده که موجب طبیعی شدن رفتار «معشوقه‌گزینی» برای مردان متأهل و ایجاد بی‌عفتی در بین آنها می‌گردد.

نتیجه‌گیری

خانواده از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است که تأثیر اعضای آن بر یکدیگر موجب تغییرات اساسی در جامعه خواهد شد. نقش مردان در خانواده نیز از تأثیرگذارترین نقش‌هاست که معمولاً کمتر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. در این میان، آنچه به‌عنوان عامل مهمی در تثبیت یا تزلزل نقش‌های مردانه در خانواده می‌شود، عفاف مردان است. در مقاله حاضر ابتدا به بررسی مفهوم عفاف، حیا و واژه‌های مرتبط با آنها پرداختیم و پس از اثبات این مطلب که عفاف و حیا فراتر از جنسیت است، مصادیق بی‌عفتی در بین مردان مطرح شد و بی‌عفتی در نگاه که مقدمه غالب نابهنجاری‌هاست، در گوش با شنیدن پیام‌های غیر عقیفانه، در فرج، که قرآن کریم به آن اشاره مستقیم نموده، مورد بررسی قرار گرفت. سپس به آسیب‌های ناشی از بی‌عفتی مردان پرداختیم تا از گذر آن راهکارهایی جهت تقویت بنیه خانواده با دقت و تأکید بر عفاف مردان و نقش آن در استحکام روابط خانوادگی، ارایه دهیم. آنچه در این بخش به‌عنوان دغدغه مطرح شده ترویج افراطی و تعریف‌نشده ازدواج موقت، به‌عنوان راه حلی جهت برون‌رفت از مشکلات جنسی است و اینکه آسیبی که ترویج بی‌رویه این حکم الهی، به‌رغم شرعی بودن آن، در پی دارد به مراتب بیش از تأثیر مثبت آن است. سست شدن بنیان خانواده به خاطر تنوع‌طلبی جنسی مردان، کاهش سطح عفاف و حیای آنان، ایجاد دلسردی و بی‌اعتمادی در محیط خانه و تعلیم غیر مستقیم بی‌عفتی به پسران خانواده، که به‌تدریج مسیر طی شده توسط پدران را در پیش خواهند گرفت و ...، از جمله آسیب‌های ترویج افراطی ازدواج موقت در کشور اسلامی و فراهم ساختن موجبات توهین و تحقیر و ایجاد شبهات از سوی غیر



مسلمانان و مسلمانان غیر شیعه در سطح بین‌المللی، پس از ترویج و تبلیغ آن در دنیای مجازی، از جمله این آسیب‌هاست.

اما راهکارهای تقویت بنیه خانواده با توجه و تأکید بر عفاف مردان را در دو بخش کلی می‌توان مطرح نمود:

الف) بخش آموزشی

ب) بخش اجرایی و سیاست‌گذاری

در بخش اول موارد زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- تعمیق بخشیدن به آموزه‌ها و باورهای دینی به‌طور گسترده و کلی.

- تعمیق فرهنگ عفاف و حیا در بین مردان به‌طور خاص.

- ایجاد امکانات آموزشی جهت ارتقاء سطح آگاهی همسران نسبت به امور زیستی - غریزی (جنسی) و ایجاد مهارت در روابط زناشویی.

- توجه به آگاهی‌های جنسی پسران و ادراکات آنها و هدایت غریزه‌های طبیعی آنان در آموزش و ابزار آموزشی در دوران تحصیل، به ویژه در مقطع راهنمایی و دبیرستان.

- اقدام محلی در آموزش مهارت‌ها، از جمله مهارت ارتباط در خانواده، مهارت خودنگهداری (عفاف)، ارائه آگاهی‌های جنسی و مسائل مربوط به آن مطابق با آموزه‌های دینی و یافته‌های جدید علمی.

در بخش سیاست‌گذاری و اجرایی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ایجاد زمینه‌ای جهت کاهش موقعیت‌های تحریک‌آمیز در سطح جامعه؛

• تولید محصولات فرهنگی متناسب با حیا و عفاف مردان اعم از ساخت فیلم‌ها و تدوین متون و تهیه محصولات که موجب رشد فضایل اخلاقی و معنوی مردان گردد.

• کنترل اجتماعی که هم به‌طور عام در سطح جامعه و توسط شهروندان مسلمان مطرح می‌شود و هم در سطح نیروی حاکم بر جامعه و امر به معروف و نهی از منکر با دخالت حکومت از مصادیق بارز این کنترل اجتماعی است.

• وضع قوانین متناسب با هنجارهای دینی و ایجاد تطابق بین هنجارهای رسمی و دینی.

• نظارت عامل بر طرح‌های ارائه‌شده جهت برون‌رفت جامعه از مشکلات جنسی و توجه به جوانب و حاشیه این طرح‌ها قبل از اجرا شدن آنها (مانند طرح ازدواج موقت،



به‌ویژه در سایت «حافظون» با توجه به گزینه‌های متناقض و نادرست موجود در پرسش‌نامه آن).

• نظارت مستقیم و با جدیت تمام بر انتخاب آثار غربی جهت برگردان و چاپ در کشور اسلامی ما تا به‌وسیله ترویج و توزیع این آثار، موجبات شکستن قبح ارتباط مردان با زنانی غیر از همسران خود (معشوقه‌گزینی)، بی‌عفتی در نگاه و ... نگردد. با امید به آنکه رفتار براساس فرهنگ عفاف و حیا در بین آحاد جامعه، به ویژه مردان به شکل صحیح و کاملاً مشخص و تعریف شده به‌عنوان یک هنجار رسمی مطرح شود و هنجارشکنان در این زمینه، مورد توبیخ و ملامت قرار گرفته و با آنان برخورد‌های قانونی شود تا در پی آن شاهد استحکام پایه‌های خانواده و بروز روابط عاشقانه بین همسران و دیگر اعضای آن باشیم.

منابع:

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۲. آنجلیس، باربارا (۱۳۸۳). *رازهایی درباره مردان*، ترجمه هادی ابراهیمی، تهران، نسل‌اندیش، هفتم.
۳. ابن اثیر، ابن ابی المکرّم (۱۳۶۴). *النهاية في غريب الحديث*، تحقیق طاهر احمد الزادی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چهارم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزة، اول.
۵. ابوهلال عسکری (۱۴۱۲). *معجم الفروق اللغویة*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، قم، جامعه مدرسین.
۶. الاحسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۳). *عوالی اللغالی*، تحقیق سیدمرعشی و شیخ مجتبی عراقی، قم، مطبعة سید الشهداء، اول.
۷. براد شاو، جان (۱۳۸۶). *خانواده؛ تحلیل سیستمی خانواده*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، لیوسا.
۸. تبریزی، مصطفی و [دیگران] (۱۳۸۵). *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی*، اول، تهران، فراروان.
۹. الجوهری اسمعیل بن حماد (۱۴۰۷). *الصحاح تاج اللغة*، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۰. الحرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. *دارالحديث* (۱۳۷۶).
۱۲. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۰۸). *اعلام‌الدین*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۳. الرازی، محمد بن زکریا (بی‌تا). *بهداشت روانی (طب روحانی)*، ترجمه جمعی از اساتید دانشگاه الزهرا(س).
۱۴. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). *المفردات غریب القرآن*، دفتر نشر کتاب، اول.
۱۵. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، آوای نور.



۹۶۰ ◀ کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده

۱۶. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چهارم.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۹). *سنن النبوی*، تحقیق شیخ محمد هادی الفقهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. طبرسی، امین الاسلام (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق گروهی از علما و محققان، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۲۰. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۸). *تفسیر جوامع الجامع*، تحقیق مؤسسه نشر اسلامی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵). *جامع البیان عن تأویل القرآن*، بیروت، دارالفکر.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸). *مجمع البحرین*. تحقیق سید احمد الحسینی، مکتب نشرالتقافه الاسلامیه.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *التبیین فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد حبیب قیصرالعاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۲۴. علی بن الحسین السجاد (۱۳۷۵). *شرح و ترجمه صحیفه کامله سجاده*، به قلم علینقی فیض الاسلام، بی‌جا، بی‌نا.
۲۵. الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و ابراهیم السامرائی، دارالهجره.
۲۶. الفکیکی، توفیق (۱۳۵۶). *المتعه و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی*، تحقیق هشام شریف همدان، دارالاضواء.
۲۷. فیض الکاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸). *تفسیر الاصفی*، مرکز نشر تابع مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. قربانی و فرج الله (۱۳۶۷)، *مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی و مدنی*، تهران، فردوسی، دوم.
۲۹. کوئن، بروس (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، اول، تهران.
۳۰. اللیثی الواسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق حسین الحسن البیرجندی، دارالحديث.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم (مصححه).
۳۲. موسوی، طاهر (۱۳۸۵). *دو سنت فراموش شده*، ترجمه عزیز فیضی، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۳۳. نراقی، ملا محمد مهدی (۱۴۱۷). *جامع السعادت*، قم، انتشارات دارالتفسیر.

